

قبل از اینکه در اصل بحث از اصول رجالی و توثیق عامه وارد شویم چند نکته مقدماتی باید مطرح شود لذا کل بحث رجالی ما را یک بحث مقدماتی و دو فصل اساسی تشکیل خواهد داد. بحث مقدماتی مربوط به مبادی هر علمی از علوم است که قبل از ورود به هر علم، اطلاع اجمالی از آنها لازم است و فصل اول درباره اصول رجالی می باشد و فصل دوم هم درباره توثیقات عامه خواهد بود.

بحث مقدماتی: در این بحث چند نکته قابل ذکر است:

نکته اول: تعریف علم رجال و هویت آن

اگر بخواهیم تعریفی جامع از علم رجال ارائه دهیم باید بگوییم: « هو علمٌ یبحث فیہ عن احوال روات الحدیث التی لها دخلٌ فی قبول روایتهم و عدمه». علم رجال علمی است که در آن از حالات و بیوگرافی راویان حدیث در خصوص اموری که در جهت پذیرش و یا رد روایاتشان مؤثر است بحث می کند.

لذا عرض می کنیم مراد از احوال راوی اموری است که از حیث نسب، یا طبقه، یا اوصاف، یا زمان حیات، و امثال آنها که به زندگی راوی برگشت می کند و در تشخیص صدور روایت و اطمینان به صدور روایت از معصوم دخیل هستند می باشد.

نکته دوم: اصل احتیاج به علم رجال

به صورت اجمالی عرض می کنیم که به ادله اربعه ثابت شده است که عمل به ظنّ حرام است «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ»^۱ و همچنین ثابت شده است که نسبت هر چیزی به هر کسی جز به دلیل قطعی و از روی اطمینان جائز نمی باشد چون مستلزم کذب است و نسبت حکمی از احکام به خداوند متعال تا زمانی که به دلیل قطعی ثابت نشده باشد به طریق اولی جائز نمی باشد «أَلَلَّهِ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ»^۲.

و در صحیح ابوبصیر آمده است: «مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوُشَاءِ عَنْ مِثْقَى الْحَنَاطِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): تَرِدُ عَلَيْنَا أَشْيَاءُ لَيْسَ نَعْرِفُهَا فِي كِتَابِ اللَّهِ وَلَا سُنَّةٍ فَنَنْظُرُ فِيهَا؟ فَقَالَ: لَا، أَمَّا إِنَّكَ إِنْ أَصَبْتَ لَمْ تُؤْجَرْ وَإِنْ أَخْطَأْتَ كَذَبْتَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»^۳.

و این دلالت دارد بر اینکه ظن و گمان فی نفسه منجّز واقع و محذّر نیست و از طرفی آنچه در مقام استنباط احکام شرعی به عنوان مهمترین مدرک مورد مراجعه می باشد روایاتی است که از معصومین نقل شده است. لذا باید مطمئن به صدور این

۱. اسراء / ۳۶

۲. یونس / ۵۹

۳. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص ۵۶، بَابُ الْبِدْعِ وَالرَّأْيِ وَالْمَقَالِيسِ، ح ۱۱

روایات شویم تا مشمول آیات ناهیه از عمل به ظن و روایتی که از ابوبصیر نقل شد نشویم و اطمینان به صدور این روایات نیازمند آن است که بشناسیم این روایت مستند است یا مرسل، شخصی که در این روایت نامش آورده شده است و مشترک بین چندین نفر می باشد چه کسی است؟ حالات مثبت و منفی خود آن فرد مورد بررسی قرار گیرد چون اشتراک اسمی در روایت امری متعارف است.

روایت موسوم به نام احمد بیش از چهارصد نفر که بعضی از اینها عدل امامی هستند مثل احمد بن ادریس قمی، احمد بن محمد بن عیسی اشعری، بعضی دیگر ضعیف هستند که نمی شود به آنها اعتماد کرد مثل احمد بن محمد عاملی، بسیاری از آنها هم مجهول و غیر معروف هستند مثل احمد بن جعفر مالکی.

لذا از آنجا که اطمینان به صدور روایات از معصومین متوقف بر معرفت احوال روایتی است که آنها را نقل می کنند و معرفت احوال این اشخاص در علم رجال تحقق پیدا می کند اجمالاً اصل نیاز به علم رجال امری است که نمی شود آنرا انکار کرد علاوه بر اینکه گاهی در اسامی روایت تحریف صورت می گیرد و تشخیص آن با مراجعه به علم رجال میسر می شود مثل احمد بن محمد که به جایش محمد بن احمد نقل شده است.

با این وجود که اصل احتیاج به علم رجال امری است که نمی شود آنرا انکار کرد بین علما و اندیشمندان در جهت نیازمندی یک فقیه به علم رجال اختلاف شده است عده قلیلی از اصولیون و عده کثیری از اخباریون اصل نیاز به علم رجال را نفی می کنند به این دلیل که می فرمایند این قدر روایات معتبره و مسلم الإعتبار برای اثبات احکام موضوعات داریم که نیازی به آن روایاتی که اعتبار و عدم اعتبارشان نامعلوم است نداریم تا نیازمند بررسی احوال رواتشان شویم.

و اما بعضی دیگر از علما فرموده اند اصل احتیاج به علم رجال غیر قابل انکار است. نهایتاً در مقدار احتیاج به علم رجال اختلاف دارند:

۱- بعضی می فرمایند در روایاتی که مشهور بین علماست و به این روایات عمل شده است نیازی به علم رجال نیست چون هر روایتی را که مشهور به آن عمل کرده باشد حجت است چه روای آن قوی باشد و چه ضعیف.

۲- بعضی دیگر فرموده اند در روایات کتب اربعه نیازی به علم رجال نداریم چون روایات کتب اربعه قطعی الصدور است و حجیت دارند و نیازی به بررسی احوال روات آنها نیست.

بعضی دیگر فرموده اند در خصوص روایات کتاب الکافی کلینی نیازی به علم رجال نداریم «**الکافی کافر لشیعتا**»^۴

ما در تبیین این نکته دو قول اساسی را مطرح می کنیم و مورد بررسی قرار می دهیم:

۱- آیا نیازی به علم رجال هست؟ که عده ای می گویند نیاز می باشد.

۲- عده ای هم می گویند ما نیازی به علم رجال نداریم.

۴. الکافی (ط - دارالحدیث)، المقدمة ج ۱، ص ۹۲ «قد تجد فی الأوان الأخير من یخالف سیرة علماء الشیعة، و یتشبه بحکایة عرض الکافی علی الإمام المهدی علیه السلام، و

یستصر لمقولة «الکافی کافر لشیعتا» بعد تلطیفها.